

Research Paper



The Effectiveness of Families-and-Schools-Together Program on Family Cohesion, Expressiveness and Conflict of First Graders' Parents in Tabriz



Panahali Hosseinzadeh ¹, Marziyeh Alivandi Vafa ^{2*}, Zeynab Khanjani ³, Seyed Davood Hoseini Nasab ⁴

1. Psychology Ph.D, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Psychology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.
3. Professor, Department of Psychology, Tabriz University, Tabriz, Iran.
4. Professor, Department of Psychology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.



DOI: 10.22034/JMPR.2023.13268

DOR: [20.1001.1.27173852.1402.18.69.2.5](https://doi.org/10.22034/JMPR.2023.13268)

URL: https://psychologyj.tabrizu.ac.ir/article_13268.html



ARTICLE INFO

ABSTRACT

Keywords:
Family cohesion,
Expressiveness, Conflict,
Families and Schools
Together program

Received: 2020/04/02
Accepted: 2020/05/05
Available: 2023/05/21

The purpose of this research was to investigate the effects of Families-and-Schools-Together program (FAST) on family cohesion, expressiveness and conflict of first graders' parents in Tabriz. This study was based on a quasi-experimental research design. On the basis of purposive sampling, 40 families were selected and randomly assigned in two groups (20 in the experimental group and 20 in the control group). While the experimental group participated in the Families-and-Schools-Together program, the control group did not receive any treatment. the analysis of covariance showed a statistically significant increase in the experimental group's family cohesion and expressiveness and a decrease in the family conflict scores ($p < 0.05$). It is concluded that participating in Families-and-Schools-Together program can increase family cohesion and expressiveness and decrease family conflict.



* Corresponding Author: Marziyeh Alivandi Vafa

E-mail: m. alivand@iaut.ac.ir

مقاله پژوهشی








بررسی اثربخشی برنامه همکاری خانه و مدرسه بر انسجام، ابرازگری و تعارض درون خانواده والدین دانش‌آموزان پایه اول ابتدایی شهر تبریز



پناه علی حسین‌زاده^۱، مرضیه علیوندی وفا^{۲*}، زینب خانجانی^۳، سید داوود حسینی‌نسب^۴

۱. دکتری تخصصی روان‌شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.
۲. استادیار، گروه روانشناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.
۳. استاد، گروه روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.
۴. استاد، گروه روانشناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

  	DOI: 10.22034/JMPR.2023.13268 DOR: 20.1001.1.27173852.1402.18.69.2.5 URL: https://psychologyj.tabrizu.ac.ir/article_13268.html	
		

چکیده	مشخصات مقاله
<p>هدف این پژوهش بررسی اثربخشی برنامه همکاری خانه و مدرسه بر انسجام، ابرازگری و تعارض درون خانواده والدین دانش‌آموزان پایه اول ابتدایی مدارس دولتی شهر تبریز بود. طرح تحقیق حاضر بر پایه‌ی پژوهش‌های نیمه‌تجربی از نوع پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل خانواده‌ی تمامی دانش‌آموزان پایه اول ابتدایی بود که در سال تحصیلی ۹۸-۹۷ در مدارس دولتی مشغول تحصیل بودند. در این پژوهش، به دلیل مداخله‌ای بودن و اهمیت رضایت شرکنندگان از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. بدین منظور، ابتدا دو مدرسه تقریباً همسان از بین مدارس داوطلب به عنوان محل اجرا و سپس از هر مدرسه ۲۰ و در مجموع ۴۰ خانواده داوطلب، به عنوان نمونه‌ی آماری انتخاب و به شکل تصادفی در دو گروه آزمایش (۲۰ خانواده) و کنترل (۲۰ خانواده) جایگزین شدند. شرط برنامه، شرکت تمامی اعضای خانواده در جلسات هفتگی بود. اعضای خانواده‌ها ۳ الی ۵ نفر با میانگین ۳/۳۳ نفر برای گروه آزمایش و ۳/۲۵ نفر برای گروه کنترل بودند. برنامه به مدت ۸ جلسه ۲/۳۰ ساعته (هر هفته یک جلسه) برای گروه آزمایش اجرا گردید. در این مدت هیچ برنامه‌ای برای گروه کنترل اجرا نشد. داده‌های هر دو گروه با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس تجزیه و تحلیل و نتایج نشان داد انسجام و ابرازگری خانواده در گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش و تعارض درون خانواده به طور معنادار کاهش نشان می‌دهد ($P < 0/05$). براساس یافته‌های فوق، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که شرکت در برنامه همکاری خانه و مدرسه می‌تواند میزان انسجام و ابرازگری خانواده را افزایش و تعارض درون آن را کاهش دهد.</p>	<p>کلیدواژه‌ها: برنامه همکاری خانه و مدرسه، انسجام، ابرازگری و تعارض خانواده</p> <p>دریافت شده: ۱۳۹۹/۰۱/۱۴ پذیرفته شده: ۱۳۹۹/۰۲/۱۶ منتشر شده: ۱۴۰۲/۰۲/۳۰</p>

* نویسنده مسئول: مرضیه علیوندی وفا

رایانامه: m.alivand@iaut.ac.ir

مقدمه

خانواده به‌عنوان یک واحد اساسی، نخستین بستر اصلی برای اجتماعی شدن کودکان محسوب می‌شود (بوهلر و جرارد^۱، ۲۰۱۳)؛ به‌طوری که این واحد اساسی، سازمانی مؤثر برای تربیت اجتماعی کودکان محسوب می‌شود کامل^۲، ۲۰۱۴). متخصصان امر معتقدند که این محیط، نقش مهمی در تضمین شرایط لازم برای گذر کودکان از مراحل مختلف زندگی دارد (کاتالانو و کاتالانو^۳، ۲۰۱۴). بعلاوه، افراد هر جامعه نه تنها از نظر جسمی و زیستی، بلکه از نظر عاطفی، روانی و شخصیتی تحت تأثیر این نهاد بنیادین قرار دارند (به‌پژوه، ۱۳۹۲). بر اساس نتایج پژوهش‌های متعدد، هیچ بستری از نظر قدرت و گستردگی تأثیر با این محیط برابری نمی‌کند (شارما^۴، ۲۰۱۲). در واقع، تعاملات اعضای این نهاد اجتماعی اصیل به‌عنوان معاملات در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند مثبت یا منفی باشد (بالدا، سانگان و کوماری^۵، ۲۰۱۹)؛ به طریقی که اختلال در عملکرد این نظام، موجب اختلال در رفتار اعضای آن می‌شود (نظیر، سیدرا، مالیک، فلک و محمدرضوان^۶، ۲۰۱۲).

به اعتقاد اندیشمندان این حوزه، عوامل متعددی می‌تواند بر ثبات و ناپایداری این منظومه ی ارتباطی کوچک تأثیر بگذارد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به انسجام خانواده^۷ اشاره نمود. مراد از انسجام خانوادگی، احساس همبستگی، پیوند و تعهد عاطفی بین اعضای خانواده و احساس نزدیک بودن است که از طریق احساس تعلق و پذیرش در سیستم خانواده ابراز می‌شود (لینگرن^۸، ۲۰۰۳). به بیانی دیگر، انسجام، میزان تعهد، کمک و پشتیبانی اعضای خانواده از همدیگر است (بالدا، سانگان و کوماری، ۲۰۱۹) که بر ایجاد تعادل بین جدا بودن و با هم بودن استوار می‌باشد (ابراهیم بابایی، حبیبی، قنبری، نیکزاد و قدرتی، ۱۳۹۶). در حقیقت، انسجام به‌عنوان یکی از ساختارهای بانفوذ خانواده، احساس همبستگی، پیوند و تعهد عاطفی است که اعضای آن نسبت به هم داشته و شامل مؤلفه‌هایی همچون ارتباط عاطفی، تعامل خانوادگی، روابط پدر و مادر، رابطه فرزند و والدین و ارتباط فرزندان است. مقدار تعامل به لحاظ زمان و مکان، نودوستی و علائق و در نهایت به چگونگی گذراندن اوقات فراغت بستگی دارد (السون^۹، ۲۰۰۰). با توجه به نقش کلیدی انسجام خانوادگی به‌عنوان یکی از عوامل افزایش‌دهنده‌ی سلامت خانواده، پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که بین انسجام خانواده و سلامت عمومی رابطه مثبت و بین انسجام خانواده، استرس، اضطراب و اختلال در عملکرد اجتماعی رابطه منفی و معنادار وجود دارد (جمشیدی، رزمی، حقیقت و سامانی، ۱۳۸۷؛ هوی و کینگ^{۱۰}، ۱۹۹۶؛ سالگادو و اسناید^{۱۱}، ۱۹۸۷). بعلاوه، تحقیقات نشان می‌دهد بالابودن انسجام خانواده و استفاده والدین از استدلال و راه‌حل‌های مثبت برای حل مسائل، نشانگر سطح

بالتری از درک عواطف و احساسات دیگران می‌باشد (هنری، سیجر و پلانکت^{۱۲}، ۱۹۹۶؛ مرادی و چراغی، ۱۳۹۴). در مقابل، جو منفی خانواده شامل تعارض شدید در بین اعضا، ارتباط ضعیف با والدین و فقدان حمایت آن‌ها می‌تواند اثر عمیق بر رشد مهارت‌های ارتباطی پرخاشگرانه و غیرهمدلانه در بین کودکان داشته باشد (بلوم، ایرلند و بلوم^{۱۳}، ۲۰۰۳). مطالعات انجام‌شده در دهه‌های اخیر نشانگر اهمیت و تأثیر مثبت انسجام خانواده بر سلامت و بهزیستی جسمانی، روانی، پیشرفت تحصیلی و خودپنداره اعضای خانواده می‌باشد؛ به نحوی که انسجام خانوادگی پایین سبب احساس افسردگی، رفتارهای پرخاشگرانه، بزهکاری و اختلال در خودپنداره اعضای خانواده می‌گردد (بحرینی، بهزادی، جوکار و دهقان، ۲۰۱۰؛ ریورا، گوارناسیا، مولوانی-دی، لین، تورس و آلگریا^{۱۴}، ۲۰۰۸ و وندلیور، جین پرتی، پرینز و اسکوبی^{۱۵}، ۲۰۰۹).

در بطن چگونگی تشکیل خانواده‌ی منسجم، الگوهای ابرازگری عواطف، افکار و عقاید اعضای خانواده، عامل دیگری است که می‌تواند بر رفاه و ناسالمی اعضای خانواده تأثیر بگذارد؛ متغیری که از آن به‌عنوان ابرازگری خانواده^{۱۶} یاد می‌شود. به باور طرفداران رویکرد تجربه‌نگر، آنچه خانواده را به طرف بدکارکردی و مشکل سوق می‌دهد سرکوب عواطف و عدم ابراز احساسات است (حسینی، ۱۳۹۵). باور بر این است که در میان گذاشتن احساسات و تجارب در درون خانواده سبب تقویت ارتباط عاطفی و صمیمیت و در نهایت باعث استحکام خانواده می‌شود (حسن زاده، ۱۳۹۲؛ حقیقتیان، حقیقت، قریشی و محسنی پور، ۱۳۹۰). در اصل، اعضای خانواده معمولاً احساس و هیجانات خودشان را به صورت مثبت یا منفی بیان می‌کنند که هیجانات مثبت نشانگر میزان شور و اشتیاق به زندگی و هیجانات منفی نشانگر ناراحتی عمومی در درون خانواده می‌باشد (بالدا، سانگان و کوماری، ۲۰۱۹). بررسی‌های گوناگون نشان داده‌اند که هیجانات مثبت با سلامت روانی رابطه مثبت و معنادار داشته و نقشی مهم در پیشگیری از بروز اختلالات جسمی و روانی دارد (استپتو، اودانیل، مارمات و واردلی^{۱۷}، ۲۰۰۸)؛ و هیجانات منفی ارتباط مثبتی با اختلالات روانی داشته و در ایجاد و تداوم ناهنجاری‌های روانی مؤثر است (بشارت، اعتمادی و فراهانی، ۲۰۱۳). متخصصان فیزیولوژی مغز چنین اذعان می‌دارند که ابراز عواطف در میان دو شخص ممکن است مناطق مغزی مرتبط با هیجان، توجه، انگیزش و حافظه (ساختارهای لیمبیک) را فعال ساخته و دستگاه عصبی خودمختار را کنترل و سبب کاهش تنیدگی و بهبود عملکرد دستگاه ایمنی شود (احمد، بیتینکورت و سبستین^{۱۸}، ۲۰۱۵). به اعتقاد بوهلر (۲۰۱۳)، ابرازگری مثبت در درون خانواده سبب ارتقا کیفیت روابط زناشویی و آرامش خانواده می‌شود. در این

11. Salgado de Snyder
12. Henry, Sager & Plunkett
13. Blum, Ireland & Blum
14. Rivera, Guarnaccia, Mulvaney- Day, Lin, Torres & Alegria
15. Vandleur, Jeanpretre, Perez & Schobi
16. Expressiveness family
17. Steptoe, O'Donnell, Marmot & Wardle
18. Ahmed, Bittencourt-Hewitt & Sebastian

1. Buehler & Gerald
2. Kambale
3. Catalano, Catalano
4. Sharma
5. Balda, Sangwan & Kumari
6. Nazir, Sidra, Malik, Falak, Zarqa, Muhammad Rizwan
7. Fmily Cohesion
8. Lingren
9. Olson
10. Hovey & King

مرور ادبیات مداخله‌ای در مراکز علمی آموزشی مختلف دنیا نشان می‌دهد که برنامه‌های متعددی برای توانمندسازی والدین و تحکیم خانواده، طراحی و تدوین شده که یکی از مهمترین و جهانشمول‌ترین آن‌ها، برنامه همکاری خانه و مدرسه^{۱۴} است. این برنامه پیشگیری محور بوده و چارچوب نظری آن متأثر از پژوهش‌های روانپزشکی، روانشناسی کودک، بازی درمانی، خانواده درمانی، تئوری‌های دلبستگی، یادگیری اجتماعی، گروه‌درمانی، توانمندسازی، تئوری‌های رشد و تحول کودک و نظریه‌های مرتبط با استرس خانواده است. شیوه مداخله در این برنامه بیشتر از روش‌های خانواده درمانی نشأت گرفته و اعتقاد بر این است که سیستم خانواده براساس مداخلات خانواده درمانگران بازسازی شده و سبب کاهش عوامل خطر مانند شکست کودک در مدرسه، خشونت، بزهکاری، سوءمصرف مواد و استرس خانواده می‌شود (تریئون^{۱۵}، ۲۰۰۶). همچنین این برنامه سبب تقویت مهارت‌های والدینی، عوامل محافظتی در مراقبت از کودکان و رفاه عمومی خانواده می‌شود (اداره خدمات بهداشت روانی و سوءمصرف مواد مخدر^{۱۶}، ۲۰۰۸). لیکن علاوه بر آن‌ها تمهیداتی را فراهم می‌کند که از گوشه‌گیری و انزوای خانواده جلوگیری گردد. همین‌طور این برنامه، احساس خودکارآمدی تربیتی، اقتدار، رابطه‌ی بین فردی، مهارت گوش دادن، آرایه دستورات واضح و روشن والدین برای برقراری ارتباط موثر با کودکان را تقویت و ارتباط آن‌ها با مسئولین مدرسه به منظور همکاری و هماهنگی بیشتر برای پیشبرد اهداف تربیتی را بهبود می‌بخشد. نتایج پژوهش‌های مختلف اثربخشی این برنامه را بر متغیرهای مختلف خانوادگی مانند تقویت ارتباط بین فردی والدین و اصلاح سبک‌های فرزندپروری (گودکن^{۱۷}، ۲۰۱۵؛ لی، گالبریت و بونسترا^{۱۸}، ۲۰۱۸)؛ کاهش استرس و افزایش خودکارآمدی والدین (مکدونالد، لوینگسون و والنترین^{۱۹}، ۲۰۱۷)؛ لذت از بودن در کنار هم، جلوگیری از غفلت کودکان و درگیری بیشتر با پیشرفت تحصیلی کودک (ملودی، پاتریکا و نیکول^{۲۰}، ۲۰۱۶) و افزایش خودکارآمدی عمومی، تربیتی و اجتماعی والدین (حسین‌زاده، علیوندی وفا، خانجانی و حسینی نسب، ۱۳۹۸) بررسی و تایید نموده‌اند. براساس نتایج پژوهش‌های فوق، با توجه به تاثیر قابل ملاحظه‌ای این برنامه بر توانمندسازی والدین در تقویت روابط بین فردی و گسترش تعاملات اجتماعی به عنوان متغیرهای اثربخش در پیشگیری از استرس و خشونت خانوادگی و همین‌طور اصلاح سبک‌های فرزندپروری آن‌ها برای تربیت صحیح کودکان در کشورهای مختلف و از طرفی با عنایت به این امر که این مداخله دارای پژوهش علمی و تاریخی قدرتمندی در کشور نمی‌باشد؛ لذا این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا برنامه‌ی

رابطه پژوهش هالبرتاستات، وینکیلمن، میدنتهال و داله^(۲۰۰۹) نشان می‌دهد ابرازگری منفی بالا با تعارض زناشویی و رضایت زناشویی پایین در ارتباط است. همین‌طور نتایج پژوهش کیانی، اسدی شیشه‌گران، اسماعیلی قاضی ولویی و زوار (۱۳۹۵) نشانگر رابطه همبستگی مثبت بین ابرازگری منفی با دلزدگی زناشویی و همبستگی منفی بین ابرازگری مثبت با دلزدگی است.

از طرفی، با توجه به این امر که در مجموعه‌ی ارتباطی کوچک بنام خانواده، وجود تعارض به دلیل وجود تفاوت‌های فردی، یک امر طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است چراکه هرکس منافع و اهداف خود را پیگیری می‌کند (ادینیانگ^۲، ۲۰۱۲)؛ متغیر تعارض درون خانواده^۳ چندی است که ذهن متخصصان امر را به خود مشغول داشته است. تعارض زمانی به‌وجود می‌آید که یکی از طرفین رابطه احساس کند طرف مقابلش بعضی از مسائل مورد علاقه او را سرکوب می‌کند. به اعتقاد گلاسر^۴ (۱۹۹۸)، تعارض زوجین ناشی از ناهماهنگی زن و شوهر در نوع نیازها و روش‌های ارضای آن، خودمحوری، اختلاف در خواسته‌ها، طرحواره‌های رفتاری و رفتار غیرمسئولانه نسبت به ارتباط زناشویی و ازدواج است. به باور واگنر و گریزبوفسکی^۵ (۲۰۱۴)، دلایل اصلی تعارض زوجین، سبک‌های فرزندپروری، گذراندن اوقات فراغت، مدیریت مالی خانواده، ارتباط جنسی، بی‌اعتمادی و فقدان صمیمیت است. براساس نتایج تحقیقات مربوطه (کاگلین، وانگلستی^۶، ۲۰۰۶، استوتزمن، میلر، هولیست و فالستو^۷، ۲۰۰۹)، افزایش فراوانی و تنوع اختلافات بین زوجین سبب افزایش ناراضی‌ت زناشویی و ناسازگاری کودکان می‌شود. نتایج پژوهش‌ها حاکی از تاثیرات مخرب تعارض زناشویی بر سلامت جسم، روان و خانواده است (فالکی، واگنر و موسمان^۸، ۲۰۰۸؛ فینچام^۹، ۲۰۰۳). همچنین، تعارضات زناشویی با پیامدهای مهم در خانواده همانند فرزندپروری ناکارآمد، سازگاری ضعیف فرزندان، افزایش احتمال تعارضات والد-فرزندی و طلاق همراه است (لینداهل و مالیک^۱، ۲۰۱۱). در این راستا، یافته‌ها نشان می‌دهد که کاهش تعارضات زوجین سبب پویایی روابط زناشویی و بهبود روابط بین فردی اعضای خانواده و افزایش آرامش در کل سیستم خانواده می‌شود (فینچام، ۲۰۰۳). همچنین، بهبود سطح رضایت زناشویی، ارتقا سلامت خانواده و رشد مهارت‌های اجتماعی کودکان را به دنبال دارد (مککوی، گوری، کمینگز، داویز^{۱۱}، ۲۰۱۳ و سیفرت، شوارتز^{۱۲}، ۲۰۱۱). برعکس، عدم حل تعارضات زناشویی سبب افزایش تنش خانوادگی (کلن، جردن و مرسر^{۱۳}، ۲۰۱۳) و اختلال رفتاری کودکان می‌شود (سیفرت و شوارتز، ۲۰۱۱ و لینداهل و مالیک، ۲۰۱۱)

12. McCoy, Geore, Cummings & Davies
13. Siffert & Schwarz
14. Coln, Jordan, & Mercer
15. Families and Schools Together program (FAST)
16. Terrion
17. Substance Abuse and Mental Health Services Administration
18. Goedken
19. Lee, Galbraith & Boonstra
20. MacDonald, Livingstone, & Valentine
21. Melodie, Patricia and Nicole

2. Halberstadt, Winkelman, Niedenthal & Dalle
3. Edingyang
4. family conflict
5. Glasser
6. Wagner & Gryzbowski
7. Caughlin & Vangelisti
8. Stutzman, Miller, Hollist, Falceto
9. Falcke, Wagner & Mosmann
10. Fincham
11. Lindahl & Malik

همکاری خانه و مدرسه بر انسجام، ابرازگری و تعارض درون خانواده والدین دانش‌آموزان پایه اول ابتدایی شهر تبریز تاثیر دارد؟

اطلاعات خانوادگی آن‌ها محرمانه باقی مانده و نتایج پژوهش جهت بهره‌برداری لازم در اختیار آنان قرار خواهد گرفت.

ابزارها

در این مطالعه برای سنجش انسجام، ابرازگری و تعارض درون خانواده، از خرده مقیاس رابطه‌ای پرسشنامه محیط خانوادگی موس و موس^۲ (۱۹۹۴) که ویژگی‌های ارتباطی انواع خانواده‌ها را در سه متغیر انسجام خانواده، ابرازگری خانواده و تعارض درون خانواده ارزیابی می‌کند، استفاده شد. اعتبار خرده مقیاس‌های این پرسشنامه با اطلاعات جمع‌آوری شده از ۱۵۰۰ خانوادگی آمریکایی از سراسر آمریکا بین ۰/۷۸-۰/۶۱ و اعتبار آن از طریق بازآزمایی با فاصله ۲ ماه ۰/۸۶-۰/۶۸ و با فاصله ۱۲ ماه ۰/۸۹-۰/۵۲ گزارش شده است (لیدل و رو^۳، ۱۹۹۶). پایایی این پرسشنامه در پژوهش نجفپوری و نوابی نژاد (۱۳۹۳) از طریق آلفای کرونباخ ۰/۷۲ گزارش شده است. بعد رابطه‌ای (انسجام، ابرازگری و تعارض درون خانواده) این پرسشنامه دارای ۲۷ سؤال (هر متغیر ۹ سؤال) دو گزینه‌ای صحیح و غلط می‌باشد که سئوال‌ها ۲۵، ۲۲، ۱۹، ۱۶، ۱۳، ۱۰، ۷، ۴ و ۱ متغیر انسجام خانواده؛ سئوال‌ها ۲۴، ۲۳، ۲۰، ۱۷، ۱۴، ۱۱، ۸، ۵ و ۲ متغیر ابرازگری خانواده و سئوال‌ها ۲۷، ۲۴، ۲۱، ۱۸، ۱۵، ۱۲، ۹، ۶ و ۳ متغیر تعارض درون خانواده را ارزیابی می‌کند. در این مقیاس به جزء در سئوال‌ها ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۱۹، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۸، ۷ و ۶ که به صورت معکوس نمره گذاری می‌شود (یعنی به گزینه صحیح نمره صفر (۰) و به گزینه غلط نمره (۱) تعلق می‌گیرد) در سایر سئوال‌ها به گزینه صحیح نمره یک (۱) و به گزینه غلط نمره صفر (۰) تعلق می‌گیرد. این مقیاس خودگزارشی بوده و برای افراد بالای ۱۱ سال قابل استفاده است. در ایران پس از ترجمه و تعیین روایی صوری پرسشنامه، دوست قرین و مک دونالد (۱۳۹۵) به تصحیح پرسشنامه اقدام و اعتبار درونی خرده مقیاس‌های آن را بر اساس آلفای کرونباخ بین ۰/۹۲-۰/۶۸ برآورد نموده‌اند. در این پژوهش، پایایی این مقیاس براساس آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۶۷، برای انسجام خانوادگی ۰/۷۲، برای ابرازگری ۰/۷۳ و برای تعارض درون خانواده ۰/۵۰ به دست آمده که پایایی قابل قبولی است.

روش گردآوری داده‌ها

برای گردآوری داده‌های این پژوهش، ابتدا از هر دو گروه (آزمایش و کنترل) پیش‌آزمون به عمل آمد. سپس، برنامه همکاری خانه و مدرسه که شامل فعالیت‌های خوش‌آمدگویی، ساخت پرچم خانواده، صرف غذا، معرفی اعضای خانواده و سلام مخصوص برنامه، شعر خوانی دسته‌جمعی مخصوص برنامه، ترسیم‌ها، اجرای کارت‌های عواطف سنجی، گردهمایی والدین، گفتگوی دو جانبه زوجین، بازی مخصوص با کودک منتخب، قرعه‌کشی و اهدای جایزه خانوادگی و فعالیت باران می‌باشد، در هشت جلسه متوالی دو و نیم ساعته (هر هفته یک جلسه) توسط تیم برنامه‌آفرین برای خانواده‌ها اجرا گردید. لازم به

روش

طرح کلی این پژوهش بر اساس طرح‌های نیمه تجربی از نوع پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل استوار بود. جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه خانوادگی دانش‌آموزان پایه اول ابتدایی شهر تبریز بود که در سال تحصیلی ۹۷-۹۸ در مدارس دولتی آموزش و پرورش شهر تبریز مشغول به تحصیل بودند، که تعداد آن‌ها حدود ۲۷ هزار نفر گزارش شده بود (آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی، ۱۳۹۷). از آنجا که در این نوع پژوهش‌ها، به دلیل مداخله‌ای بودن و اهمیت رضایت شرکت‌کنندگان، امکان انتخاب تصادفی نمونه آماری وجود ندارد (گال و گال و بورگ^۱، ۲۰۰۳)؛ بنابراین، برای انتخاب نمونه آماری، از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند استفاده گردید. برای این منظور، ابتدا جلسه‌ای با مسئولین سلامت و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی آموزش و پرورش استان و نواحی پنجگانه برگزار و پس از معرفی برنامه و تشریح ویژگی‌های آن، از آنان درخواست شد از بین مدارس ابتدایی دولتی تبریز ۲ مدرسه تقریباً همسان، که موافق و داوطلب همکاری باشند، برای اجرای برنامه معرفی نمایند. با هماهنگی قبلی در مدارس معرفی شده حاضر، اهداف، فرایند و ویژگی‌های برنامه برای آموزگاران پایه اول تشریح و در همان جلسه، آموزگار داوطلب برای همکاری در اجرای برنامه انتخاب و از ایشان درخواست شد ضمن معرفی برنامه برای دانش‌آموزان کلاس خود، والدین (پدر و مادر) آن‌ها را جهت آشنایی با برنامه دعوت نماید. به تفکیک مدرسه در جلسه والدین حاضر و برنامه برای آنان نیز معرفی و از آن‌ها درخواست گردید با رضایت آگاهانه و به صورت داوطلبانه برای شرکت در برنامه اعلام آمادگی نمایند. با توجه به نیاز پژوهش از بین خانواده‌های داوطلب هر کلاس ۲۰ خانواده و در مجموع از دو مدرسه ۴۰ خانواده به صورت تصادفی انتخاب و به شکل جایگزینی تصادفی در دو گروه آزمایش (۲۰ خانواده) و کنترل (۲۰ خانواده) به عنوان نمونه آماری قرار داده شدند. تعداد اعضای خانواده‌های داوطلب بین ۳ الی ۵ نفر با میانگین گروه آزمایش ۳/۳۳ نفر و گروه کنترل ۳/۲۵ نفر بودند. ملاک‌های ورود به تحقیق عبارت بودند از: داشتن سلامت روانپزشکی (عدم استفاده از مداخلات دارویی)؛ داشتن رضایت کامل برای شرکت در جلسات؛ شرکت نداشتن در جلسات روانشناختی محور در طی شش ماه اخیر و شرکت همه اعضای خانواده در جلسات هفتگی. هم‌طور، ملاک‌های خروج، الف) شرکت نداشتن در بیش از ۱ جلسه‌ی مداخله؛ ب) شرکت در جلسات مداخله‌ای دارویی یا روانی هم‌زمان در نظر گرفته شد. به منظور رعایت ملاحظات اخلاقی، خانواده‌ها ضمن تکمیل فرم رضایت شرکت آگاهانه در پژوهش، به آنان اطمینان داده شد که تمامی

1. Gall and Gall & Borg
2. Moos & Moos
3. Liddle & Rowe

ذکر است که ساخت پرچم فقط در جلسه اول بوده و در هفته پنجم، برای فعالیت گردهم آیی والدین (نیم ساعته) از یک کارشناس تربیتی به عنوان سخنران دعوت می‌شود. بعد از اتمام جلسات هشتگانه، پس از آن به والدین تکمیل کننده پیش‌آزمون (گروه آزمایش و کنترل) تحویل و از آنان درخواست شد تا آن را تکمیل کنند. شایان ذکر است که با توجه به ساخت کلی این نوع مداخله، خانواده‌های فارغ‌التحصیل شده می‌توانند به مدت دو سال با حضور والد تیم در جلسات ماهانه در همان محل یا در محل تعریف شده‌ی دیگری شرکت نمایند.

پکیج آموزشی برنامه همکاری خانه و مدرسه: این برنامه در سال ۱۹۸۸ توسط مکدونالد، به منظور مداخله پیشگیرانه طراحی شده که شیوه مداخله در آن بیشتر از رویکردهای خانواده درمانی نشأت گرفته است. این برنامه به دنبال ایجاد و حمایت رابطه‌ی کوتاه و بلند مدت در سطوح مختلف زندگی شامل استحکام رابطه‌ی والدین با کودک، کودک با کودکان دیگر، والدین با اعضای خانواده، والدین با والدین دیگر و والدین با نهادها و سازمان‌های حمایتی است که در ۸ هفته متوالی (هر هفته یک جلسه ۲/۳۰ ساعته) برای خانواده‌ها (حداکثر ۱۰ و حداقل ۵ خانواده) اجرا می‌گردد. خانواده‌ها با تمامی اعضای خود در این برنامه شرکت می‌نمایند. فعالیت‌های هفتگی این برنامه تقریباً به شکل تکراری (جدول ۱) بجز ساخت پرچم (فقط در هفته اول)، دعوت از یک کارشناس جهت سخنرانی و پاسخ به سئوالات خانواده‌ها (فقط هفته پنجم) و اهدا لوح تصدیق رفتاری و فارغ‌التحصیلی (فقط هفته هشتم) در طول هشت هفته اجرا می‌شود. هدف از تکرار آن نهادینه شدن آن فعالیت‌ها به عنوان بخش جدیدی از رفتارهای مطلوب در بین خانواده‌ها می‌باشد. خلاصه فعالیت‌های این برنامه در جدول ۱ گزارش می‌شود.

جدول ۱. فعالیت‌های هفتگی برنامه خانه و مدرسه

فعالیت / جلسه	نحوه‌ی اجرا	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
دیدار و خوش-آمدگویی	یکی از اعضای تیم هنگام ورود خانواده‌ها از آن‌ها استقبال می‌کند	*	*	*	*	*	*	*	*
ساخت پرچم‌های خانواده	اعضای خانواده با همکاری هم یک پرچم ساخته و نام خانواده‌ی خود را روی آن می‌نویسند	*	*	*	*	*	*	*	*
صرف غذا	فرزند (پایه اول) از بقیه اعضای خانواده پذیرایی می‌کند	*	*	*	*	*	*	*	*
معرفی اعضای خانواده و سلام	پدر/ مادر اعضای خانواده خود را به سایر خانواده‌ها معرفی و همه با هم به خانواده سلام می‌دهند	*	*	*	*	*	*	*	*

برای اجرای این برنامه یک تیم ۴ نفره شامل معلم کلاس، یک نفر از اولیای مدرسه و ۲ نفر به عنوان شریک اجتماعی با مسئول اجرای برنامه همکاری می‌نمایند. لازم است این ۴ نفر به مدت ۲ روز (۱۶ ساعت) قبل از آغاز برنامه آموزش‌های لازم را دیده و توجیه شوند.

مخصوص برنامه

هر خانواده با شرکت تمامی اعضا یک شعر می‌خواند * * * * *

یک تصویر ناقص برای تکمیل به تمام اعضای خانواده داده می‌شود. اعضا باید با یک جمله مثبت ترسیم‌کننده را تشویق کنند * * * * *

هر کدام از اعضای خانواده یک شکل نشاندهنده یکی از هیجان‌ها را دریافت و آن را در چهره‌ی خود برای اعضای خانواده نمایش می‌دهد. بقیه باید آن را تشخیص دهند. والدین به مدت نیم ساعت دور هم نشسته و در رابطه با مسایل تربیتی و تحصیلی تبادل تجربه می‌کنند. * * * * *

یک کارشناس فقط در جلسه پنجم در رابطه با مسایل تربیتی و مسایل اجتماعی برای خانواده به مدت نیم ساعت صحبت می‌کند (در زمان گردهم آیی) * * * * *

پدر و مادر روبروی هم نشسته و هریک به مدت ۷/۵ دقیقه برای دیگری صحبت می‌کند.^۱ * * * * *

کودک (پایه اول) به مدت ۱۵ دقیقه با وسایل دورریختنی با راهنمایی یکی از والدین بازی می‌کند.^۲ * * * * *

هر هفته قرعه کشی شده و به اعضای یکی از خانواده‌ها هدایایی تقدیم می‌شود * * * * *

در این مدت کودکان با معلم تیم و یکی از شریک اجتماعی در یک فضای دیگر بازی می‌کنند. * * * * *

۱ و ۲. در این مدت کودکان با معلم تیم و یکی از شریک اجتماعی در یک فضای دیگر بازی می‌کنند.

مرحله	متغیر	کجی	انحراف استاندارد	بلندی	انحراف استاندارد
مفروضه نرمال	انسجام خانواده	-۰/۵۲	۰/۳۷	-۰/۸۲	۰/۳۳
پیش آزمون	ابرازگری خانواده	-۰/۵۷	۰/۷۲	۰/۴۰	۰/۳۷
نمرات	تعارض درون خانواده	-۰/۱۶	۰/۷۲	-۰/۴۲	۰/۳۷
متغیرهای وابسته	انسجام خانواده	-۰/۰۵	۰/۳۷	-۰/۷۴	۰/۳۳
پس آزمون	ابرازگری خانواده	-۰/۹۹	۰/۷۲	-۰/۱۳	۰/۳۷
	تعارض درون خانواده	-۰/۰۶	۰/۷۲	-۰/۱۷	۰/۳۷

جدول شماره ۲. مفروضه‌های تحلیل کواریانس

پس آزمون	F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معناداری
فرض برابری واریانس خطای گروه	۱/۴۸	۱	۳۸	۰/۳۳
آزمایش و کنترل (آزمون لون)	۰/۵۲	۱	۳۸	۰/۴۷
تعارض درون خانواده	۰/۰۷	۱	۳۸	۰/۷۸

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
فرض همگنی شیب خطوط رگرسیون	۹/۷۱	۹/۷۱	۶/۹۰	۰/۱۳
گروه + انسجام خانواده	۱۷/۱۹	۱۷/۱۹	۷/۶۹	۰/۲۱
گروه + ابرازگری خانواده	۱۷/۱۷	۱۷/۱۷	۷/۶۹	۰/۴۱
فرض همگنی ماتریس‌های واریانس-کواریانس متغیرهای وابسته (آزمون ام باکس)	۸/۳۳	۱/۳۹	۱۰۴۶/۱۱۸	۰/۲۶

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود توزیع نمرات نرمال (۳ الف)، واریانس خطای گروه آزمایش و کنترل برابر (۳ ب)، شیب خطوط رگرسیون (۳ ج) و ماتریس‌های واریانس-کواریانس متغیرهای وابسته (۳ د) همگن هستند. با توجه به مندرجات جدول فوق مفروضه‌های کواریانس برقرار بوده و می‌توان از تحلیل کواریانس استفاده کرد.

جدول ۴. تحلیل کواریانس، مقایسه اثر بین آزمودنی‌ها

متغیر مستقل	منبع	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	F	سطح معنا داری	ضریب اتا
پیش آزمون	پیش	۴/۷۲	۴/۷۲	۳/۳۳	۰/۰۷	۰/۰۸
انسجام خانوادگی	اثر گروه	۴۹/۷۱	۴۹/۷۱	۳۵/۰۴	۰/۰۰۱	۰/۴۹
	خطا	۵۱/۰۷	۱/۴۱			
پیش آزمون	پیش	۲۵/۳۱	۲۵/۳۱	۱۴/۲۷	۰/۲۹	۰/۱۸
ابرازگری	اثر گروه	۷۵/۹۷	۷۵/۹۷	۴۲/۸۴	۰/۰۰۱	۰/۵۴
	خطا	۶۳/۸۳	۱/۷۷			
پیش آزمون	پیش	۰/۷۲	۰/۷۲	۰/۴۳	۰/۵۱	۰/۰۱
تعارض درون خانواده	اثر گروه	۶/۶۳	۶/۶۳	۴/۳۴	۰/۰۴	۰/۳۷
	خطا	۶۰/۷۰	۱/۶۸			

تقدیم لوح
تصدیق
رفتاری و فارغ التحصیلی
اعضای تیم از رفتارهای مثبت خانواده در طول ۸ هفته لوحی را تهیه و در این جلسه به خانواده تقدیم می‌کند
اعضای خانواده‌ها در پایان هر جلسه به صورت گرد دورهم ایستاده و یک فعالیت مانند دست‌زدن را اجرا می‌کنند.

نتایج

در بحث آمار توصیفی، جدول شماره ۱ میانگین و انحراف استاندارد هر یک از متغیرهای وابسته، یعنی انسجام خانواده، ابرازگری خانواده و تعارض درون خانواده را در مرحله پیش آزمون و پس آزمون گروه آزمایش و کنترل نشان می‌دهد.

جدول ۲. ویژگی‌های توصیفی نمره‌های پیش آزمون و پس آزمون به تفکیک گروه

گروه‌ها	فراوان	متغیر	پیش آزمون	پس آزمون
آزمایش ۲۰ خانواده	۴/۹۰	انسجام خانواده	۱/۲۹	۶/۳۰
ابرازگری خانواده	۴/۶۳	ابرازگری خانواده	۱/۳۴	۵/۹۰
تعارض درون خانواده	۴/۳۵	تعارض درون خانواده	۱/۵۹	۱/۲۹
کنترل ۲۰ خانواده	۴/۵۵	انسجام خانواده	۱/۶۶	۴/۶۰
ابرازگری خانواده	۴/۸۵	ابرازگری خانواده	۱/۶۹	۴/۳۵
تعارض درون خانواده	۴/۶۰	تعارض درون خانواده	۱/۳۹	۴/۴۹

همان‌طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود میانگین‌ها در پیش و پس آزمون گروه آزمایش تفاوت زیادی دارد؛ در حالی که این میانگین‌ها در پیش و پس آزمون گروه کنترل تفاوت کمتری را نشان می‌دهد. به منظور یافتن تفاوت معنادار آماری، داده‌های این پژوهش با استفاده از روش تحلیل کواریانس با استفاده از نرم افزار SPSS تحلیل شد. برای استفاده از این آزمون لازم است مفروضه‌های آن، نرمال بودن توزیع نمرات (کجی و بلندی)، برابری واریانس خطای متغیر وابسته در گروه‌ها، همگنی شیب رگرسیون و همگنی ماتریس‌های واریانس-کواریانس متغیرهای وابسته برقرار باشد.

و عواطف مثبت در بین اعضای یک خانواده می‌تواند بر کیفیت روابط زناشویی تاثیر گذاشته و سلامت روانشناختی خانواده را در حالت کلی بهبود دهد (بوهلر، ۲۰۱۳)؛ در حالی که بیان عواطف ناسالم و منفی با تعارض بالا و رضایت زناشویی پایین در ارتباط است (هالبرتاستات، وینکیلمن، میدنتال و داله، ۲۰۰۹). در اصل، می‌توان دلیل اثربخشی این برنامه بر ابرازگری را اجرای فعالیت‌های چون معرفی اعضای خانواده و سلام مخصوص به خانواده‌های خانه و مدرسه، گفتگوی دو نفری والدین، شعرخوانی خانوادگی، گردهم‌آیی والدین برای تبادل تجارب و بازی مخصوص با کودک عنوان نمود. همانطور که مشهود است، در این فعالیت‌ها، والدین و کودکان برای ابراز احساسات و تجارب خود، بدون ترس، ترغیب می‌شوند؛ تجربه ای که در خانواده‌های پریشان وجود ندارد. در خانواده‌های آشفته، بیان عواطف مثبت بسیار کم بوده و محیطی ایجاد می‌شود که اعضای خانواده به تدریج به سردی روابط و توقف بهزیستی مبتلا می‌گردند. بر اساس نتایج پژوهش گودکن (۲۰۱۵) که همراستا با تحقیق حاضر است، شرکت در برنامه خانه و مدرسه سبب تقویت توجه اعضای خانواده بر همدیگر، تقویت ارتباط کلامی، ترغیب برونی‌سازی رفتار و تقویت روابط والدین با فرزندان می‌شود. از طرفی، شایان ذکر است که در میان گذاشتن احساسات و تجارب در درون خانواده سبب تقویت ارتباط عاطفی و صمیمیت شده و تقویت استحکام خانواده را به دنبال دارد؛ فرآیندی که توسط پژوهش‌های مغزی نیز مورد تاکید می‌باشد. از نگاه متخصصان مغز، بیان عواطف و هیجانات با فعال سازی ساختارهای لیمبیک می‌تواند دستگاه عصبی خودمختار را کنترل کرده و کاهش تنش روانشناختی را سبب گردد (احمد، بیتینکورت و سابستین، ۲۰۱۵).

همچنین، بر پایه‌ی نتایج این تحقیق، متغیر دیگری که توانست بر آرامش و استحکام خانواده کمک کند، تعارض درون خانوادگی بود. به باور ادینیانگ (۲۰۱۲)، تعارض درون خانواده امری ذاتی و اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا هر عضو یک خانواده دارای اهدافی بوده و منافع خود را در آن جهت پیگیری می‌کند. از نگاه آکرمن، وجود تعارض در بین اعضای خانواده بسیار مهم است؛ چرا که تعارض در هر سطحی باشد به سراسر نظام خانواده منتقل می‌شود (آکرمن، به نقل از حسینی، ۱۳۹۵). بعلاوه، با توجه به طبیعت ساخت یک خانواده، گریز از تجربه‌ی تعارض درون خانوادگی ممکن نیست؛ لذا تمامی محاسبات ارتباطی و مداخله‌ای باید در جهت مدیریت و کنترل آن باشد. بر اساس نتایج پژوهش‌های مختلف، برقراری ارتباط صحیح سبب کاهش تعارض شده و بر پویایی، انسجام، پایداری و نشاط خانواده کمک می‌کند (اسپرچر و متز، ۲۰۱۳ و کوهن، ۲۰۰۶). به بیانی دیگر، اگر خانواده‌ای بخواهد رابطه‌ای پویا داشته باشد باید بتواند اختلاف‌ها، تعارض‌ها و کشمکش‌ها را به شیوه درست حل کند. این برنامه با ترتیب دادن جلسات هفتگی، پذیرایی خانواده‌ها از همدیگر، شعرخوانی خانوادگی و دسته جمعی، گفتگوی دو نفری، گردهم‌آیی والدین و بازی مخصوص با کودک، بازی کارت‌های عواطف سنجی، مهارت گوش دادن، رعایت نوبت در صحبت کردن، شناخت تفاوت‌های فردی، تقویت زبان بدن، مهارت حل‌مسأله، همکاری در فعالیت‌های خانوادگی، تقویت اقتدار

مطابق با نتایج مندرج در جدول شماره ۴، فرضیه‌های پژوهش مورد تأیید قرار گرفت. پس از کنترل اثر پیش‌آزمون، بین آزمودنی‌های گروه‌های آزمایش و گواه در نمرات پس آزمون انسجام، ابرازگری و تعارض درون خانواده تفاوت معناداری بدست آمد ($P < 0.05$). اندازه اثر شرکت در برنامه همکاری خانه و مدرسه بر انسجام خانواده (ضریب اتا = 0.49) 0.49 ، بر ابرازگری (ضریب اتا = 0.54) 0.54 و بر تعارض درون خانواده (ضریب اتا = 0.37) 0.37 بوده و حاکی از این است که 49% تغییرات متغیر وابسته انسجام خانواده، 54% متغیر وابسته ابرازگری و 37% متغیر وابسته تعارض درون خانواده به کمک تغییرات متغیر آزمایشی شرکت در برنامه همکاری خانه و مدرسه تبیین می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

در کل، هدف این پژوهش بررسی اثربخشی برنامه همکاری خانه و مدرسه بر انسجام، ابرازگری و کاهش تعارض در درون خانواده بود. بر اساس یافته‌ها، شرکت در این برنامه‌ی مداخله‌ای توانست بر متغیرهای انسجام، ابرازگری و تعارض خانوادگی تاثیر معنی‌دار بگذارد؛ نتیجه‌ای که با نتایج پژوهش‌های بالدا، سانگاون و کوماری (۲۰۱۹)؛ لی، گالبریث و بونسترا (۲۰۱۸)؛ مکدونالد، لوینگسون و والننتین (۲۰۱۷)؛ ملودی، پاتریکا و نیکول (۲۰۱۶)؛ فیبل، هاسکینز و لوپز تورلی^۱ (۲۰۱۳) و کراتاچویل، مکدونالد، لوین، اسکالیا و کوور^۲ (۲۰۰۹) همخوانی دارد. به طور کلی، در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت خانواده محیطی است که انسجام خانوادگی یکی از عوامل افزایش سلامت در خانواده بوده و پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که بین انسجام خانواده و سلامت عمومی رابطه مثبت و معنادار و بین انسجام خانواده و نشانه‌های جسمانی اضطراب و اختلال در عملکرد اجتماعی رابطه منفی و معنادار وجود دارد (بالدا، سانگاون و کوماری، ۲۰۱۹). انسجام خانوادگی به عنوان یک عامل محافظ در مقابل عوامل استرس محیطی شناخته می‌شود که یکی از عوامل اصلی تنش و مشاجرات خانوادگی است (مکدونالد، لوینگسون و والننتین، ۲۰۱۷). می‌توان دلیل اثربخشی این برنامه را بر انسجام خانواده، اجرای فعالیت‌های چون ساخت پرچم خانوادگی، صرف غذا به صورت خانوادگی، گفتگوی دونفری والدین، شعرخوانی خانوادگی، بازی مخصوص با کودک عنوان نمود که سبب برقراری ارتباط و تعهد عاطفی بین اعضای خانواده شده و انسجام خانوادگی را تقویت می‌نماید (لی، گالبریث و بونسترا، ۲۰۱۸ و ملودی، پاتریکا و نیکول، ۲۰۱۶). در واقع، در این فعالیت‌ها اعضای خانواده ترغیب می‌شوند مسئولیت خانوادگی را پذیرفته و به وظیفه و نقش خود در قبال یکدیگر عمل نمایند.

بر اساس نتایج این تحقیق، عامل دیگر که بر سلامتی اعضای خانواده و به تبع آن بر سلامتی و آرامش خانواده کمک می‌کند، ابرازگری است. به باور طرفداران رویکرد تجربه نگر، آنچه اعضای خانواده را به طرف بدکنشی و مشکلات ارتباطی سوق می‌دهد سرکوب عواطف، عدم ابراز احساسات و بیان نامناسب عواطف است. در این راستا بوهلر بر این باور است که ابراز احساسات

1. Fiel, Haskins and López Turley
2. Kratochwill, Mcdonald, Levin, Scalia, Coover

3. Sprecher & Metts
4. Cohen

حسین زاده، رمضان (۱۳۹۲). *روان شناسی خانواده، عشق و ازدواج (مدیریت خانواده)*، تهران: ساوالان.

حسین زاده، پناه‌علی؛ علیوندی وفا، مرضیه؛ خانجانی، زینب و حسینی‌نسب، سیدداوود (۱۳۹۸). بررسی اثربخشی برنامه همکاری خانه و مدرسه بر خودکارآمدی تربیتی، عمومی و اجتماعی والدین دانش آموزان پایه اول ابتدایی شهر تبریز، *فصلنامه خانواده و پژوهش (زیر چاپ)*، ۱۷ (۴۸).

حسینی، سید مهدی (۱۳۹۵). *نظریه‌ها و فنون خانواده درمانی*، تهران: رشد.

حقیقتیان، منصور؛ حقیقت، فرشته؛ قریشی، سیدرسول و محسنی پور، پروانه (۱۳۹۰). تاثیر روابط خانوادگی بر بهداشت روانی فرزندان در شهر اصفهان. *مجله تحقیقات نظام سلامت*، ۷ (۳): ۳۶۳-۳۵۳.

سلیمی، هادی؛ حسین زاده، پریا؛ زارعی، اقبال و بدل پور، زینب (۱۳۹۶). پیش بینی سلامت جسمی و روانی براساس مؤلفه‌های تصمیم‌گیری و حل مسئله، انسجام خانواده، ابراز محبت و ظاهر فیزیکی در معلمان متاهل، مقطع ابتدایی شهر کرج، *مجله حکیم سید اسماعیل جرجانی*، ۵ (۱)، ۸۹-۷۷.

کیانی، احمدرضا؛ اسدی شیشه‌گران، سارا؛ اسماعیلی قاضی ولویی، فریبا و زوار مجید (۱۳۹۵). پیش بینی دلزدگی زناشویی براساس ابرازگری هیجانی و اسنادهای زناشویی در افراد متاهل مراجعه‌کننده به مراکز بهزیستی شهر اردبیل، *فصلنامه پژوهش‌های مشاوره، انجمن مشاوره ایران*، ۱۵ (۵۹)، ۸۵-۵۹.

مرادی، مرتضی و چراغی، اعظم (۱۳۹۴). رابطه‌ی حمایت‌های اجتماعی با بهزیستی روان شناختی و افسردگی: نقش واسطه‌ای حرمت خود و نیازهای اساسی روان شناختی. *فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۱۱ (۴۳): ۳۱۲-۲۹۷.

نجفولوی، فاطمه و نوایی نژاد، شکوه (۱۳۹۳). مقایسه نیمرخ جو خانواده افراد وابسته به مواد و عادی به منظور ارائه مداخلات مبتنی بر خانواده، *فصلنامه اعتیاد پژوهی سوءمصرف مواد*، ۸ (۳۰): ۸۱-۹۵.

والدین و حرف‌شنوی کودک از آن‌ها، مثبت‌اندیشی به دلیل توجه به رفتارهای مثبت اعضای خانواده و بازگرفتن آن‌ها در طول برنامه، برقراری روابط بین فردی سالم بین اعضای خانواده و شبکه‌ی اجتماعی والدین را تقویت نموده و به کاهش تعارض در درون خانواده کمک می‌کند. در حقیقت، بر اساس ساخت کلی برنامه‌ی بکار رفته و با توجه به ایجاد و پروراندن اشکال مختلف ارتباطی، والدین و کودکان یاد می‌گیرند که اولاً داشتن ارتباطی کم تنش ممکن است؛ و دوماً با چگونگی حل تعارض‌های تجربه شده‌ی احتمالی در قالبی کوچکتر آشنا می‌شوند.

در پایان، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی، از محدودیت‌های این تحقیق (مانند عدم کنترل جنسیت کودکان، تعداد کل فرزندان، ویژگی‌های جمعیت شناختی) استفاده کرده و نمونه‌ای شفافتر برای بالا بردن میزان تعمیم‌پذیری نتایج استفاده نمایند. بدون شک، امکان گنجاندن متغیرهای نزدیک و مهم دیگر در این تحقیق میسر نبود؛ لذا بررسی مؤلفه‌های خانواده‌مداری مانند استقلال، جهت‌یابی پیشرفت، جهت‌یابی فکری و فرهنگی، جهت‌یابی فعالیت‌های تفریحی، تأکیدات اخلاقی-مذهبی، سازمان و کنترل نیز می‌تواند به شناخت عمیق‌تر بافت ارتباطی خانواده در یک ماتریس کلی کمک کند. همچنین، با توجه به تاثیر مثبت برنامه بر افزایش انسجام و ابرازگری و کاهش تعارض در درون خانواده پیشنهاد می‌شود مسئولان برنامه‌ریز مدارس از بنیان علمی و عملی این مداخله برای بهبود محیط خانوادگی به شکل کارگاهی استفاده و مشاوران مدارس را در کارگاه‌های آموزشی مناسب با این برنامه شرکت داده و آن‌ها را مؤظف کنند تا نحوه‌ی اجرای این برنامه را فراگرفته و در مدارس اجرا نمایند. همچنین به رسانه‌های عمومی مانند رادیو و تلویزیون پیشنهاد می‌شود خانواده‌ها را با نقش مهم همکاری آن‌ها با مدرسه در بهبود محیط خانواده و رفع مشکلات فرزندان نشان آگاه ساخته و آن‌ها را تشویق به مشارکت در این برنامه نمایند. این برنامه می‌تواند در مدارس و مهدکودک‌های بیشتری اجرا شده و نتایج آن توسط پژوهشگران مختلف مقایسه و تحلیل گردد. در انتهای سخن، پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند از تمامی مدیران، معلمان، دانش‌آموزان و خانواده‌های مشارکت‌کننده در برنامه، تقدیر و قدردانی نماییم.

منابع

اداره کل آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی: کارشناسی آمار (۱۳۹۷). *خلاصه آمار آموزشگاه‌ها، کلاس‌ها، دانش‌آموزان و کارکنان در سال تحصیلی ۹۸-۹۷*، تبریز: (زیر چاپ).

ابراهیم بابایی، فریبا؛ حبیبی، مجتبی؛ قنبری، نیکزاد؛ قدرتی، سعید (۱۳۹۶). مقایسه ساختار خانوادگی (انسجام و انعطاف‌پذیری) در افراد مبتلا به اچ‌آی‌وی با افراد غیر مبتلا به اچ‌آی‌وی، *مجله علوم پزشکی زانکو، دانشگاه علوم پزشکی کردستان*، ۱۸ (۵۷): ۱-۱۰.

به‌پژوه، احمد (۱۳۹۲). *اصول برقراری رابطه‌ی انسانی با کودک و نوجوان (با تجدید نظر و اضافات) (چاپ نهم)*، تهران: نشر دانژه.

جمشیدی، بهنام؛ رزمی، محمدرضا؛ حقیقت، شهربانو و سامانی، سیامک (۱۳۸۷). رابطه انسجام و انعطاف‌پذیری خانوادگی با ابعاد کمال‌گرایی، *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۱۴ (۲): ۲۰۵-۱۹۹.

- Ahmed, S.P; Bittencourt-Hewitt, A., Sebastian, C.L. (2015). Neurocognitive bases of emotion regulation development in adolescence. *Developmental Cognitive Neuroscience*, 15, 11-25.
- Balda, S; Sangwan, S; Kumari, A. (2019). Family Environment as Perceived by Adolescent Boys and Girls. *Int.J.Curr.Microbiol.App.Sci*. 8(01): 2262-2269. doi: <https://doi.org/10.20546/ijcmas.2019.801.237>
- Bahraini M, Behzadifard S, Jokar B, Dehghani F, Shahamat Sh (2010). Relations of power and solidarity with the families of students' self-concept. *Journal of Babol University of Medical Sciences*. 12(2): 64-71.
- Besharat MA, Etemadi Nia M, Farahani H (2013). Anger and Major Depressive Disorder: The Mediating Role of Emotion Regulation and Anger Rumination. *Asian J Psychiatr*. 6(1): 35- 41.
- Blum, J., Ireland, M., & Blum, R. W. (2003). Gender differences in juvenile violence. *Journal of Adolescent Health*, 3(2), 234–240.
- Buehler, C. (2013). Marital Satisfaction, Family Emotional Expressiveness, Home Learning Environments, and Children's Emergent Literacy. *J Marriage Fam*, 75, 42-55.
- Buehler, C. and Gerald, J.M. (2013). Cumulative family risk predicts increases in adjustment difficulties across early adolescence. *Journal of Youth and Adolescence*, 42(6):905-20.
- Caughlin, J. P., & Vangelisti, A. L. (2006). Conflict in dating and marital relationships. In J. G. Oetzel & S. Ting-Toomey (Eds.). *The SAGE handbook of conflict communication: integrating theory, research, and practice* (pp. 129-157). Thousand Oaks, CA: SAGE Publications, Inc. doi: 10.4135/9781412976176
- Catalano, H., Catalano, C (2014). The importance of the school-family relationship in the child's intellectual and social development. *Social and Behavioral Sciences*, 12(8), 406 – 414.
- Cohen.B. (2006), the effectiveness of satir brief therapy on patients in an Mtenity Hospital.M.a. Dissertation. *university of south Africa*.
- Coln, K. L., Jordan, S. S., & Mercer, S. H. (2013). A unified model exploring parenting practices as mediators of marital conflict and children's adjustment. *Child Psychiatry and Human Development*, 44(3), 419-429
- Edinyang, Sunday David (2012). Conflict Management in the Family, *Research on Humanities and Social Sciences*, ISSN 2222-1719 (Paper) ISSN 2222-2863 (Online), 2 (8).
- Falcke, D., Wagner, A., & Mosmann, C. P. (2008). The relationship between family-of-origin and marital adjustment for couples in Brazil. *Journal of Family Psychotherapy*, 19(2), 170–186. doi: 10.1080/08975350801905020
- Fiel, Jeremy, Anna R. Haskins and Ruth N. López Turley (2013). Reducing School Mobility: A Randomized Trial of a Relationship-Building Intervention. *American Educational Research Journal*, 50: 1188-1218.
- Fincham, F. D. (2003). Marital conflict: Correlates, structure and context. *Current Directions in Psychological Science*, 12(23), 23-27. doi: 10.1111/1467-8721.01215.
- Gall, M. D., Gall, J. P., & Borg, W. R. (2003). *Educational research: An introduction (7thed.)*. Boston: Allyn-Bacon
- Glasser, W. (1998). *Staying together*. New York, Harper Perennial.
- Goedken, G. (2015). Families and Schools Together program, *Child Trends*, 1-11.
- Halberstadt, J., Winkelman, P., Niedenthal, P.M., & Dalle, N. (2009). Emotional conception how embodied emotion concepts guide perception and facial action. *Psychological Science*, 20 (10), 1254-1261.
- Henry, C. S., Sager, D. W., & Plunkett, S. W. (1996). Adolescents' perceptions of family system characteristics, parent- adolescent dyadic behaviors, adolescent qualities, and dimensions of adolescent empathy. *Family Relations*, 45, 283–292.
- Hovey JD, King CA (1996). Acculturative stress, depression, and suicidal ideation among immigrant and second-generation Latino adolescents. *Journal of the American Academy of Child Adolescent Psychiatry*. 1183–1192.
- Kamble, S.M. 2014. Impact of family environment on academic performance: The need of social work intervention. *Indian Streams Research Journal*, 3(12): 1-6.
- Kratochwill TR, Mcdonald L, Levin JR, Scalia PA, Coover G. (2009) Families and Schools Together: an experimental study of multi-family support groups for children at risk. *Journal of School Psychology*. 47, 245–265.
- Lee, F., Galbraith, M., & Boonstra, M. (2018). Families and Schools Together: Engaging and empowering Australian parents. *Families & Schools Together Australia*, 1-7.
- Liddle, H & Rowe, C. L. (1996). *Family measures in drug abuse prevention research*. The National Institute on Drug Abuse (NIDA).
- Lindahl, K. M., & Malik, N. M. (2011). Marital conflict typology and children's appraisals: The moderating role of family cohesion. *Journal of Family Psychology*, 25(2), 194-201
- Lingren, H. G. (2003). *marriage burnout*. University of Nebraska-Lincoln Cooperative Extension. <http://utahmarriage.org>.
- MacDonald, G., Livingstone, N., & Valentine, J. C. (2017). Families and Schools Together (FAST) for improving outcomes for children and their families (Protocol). *Cochran Database of Systematic Reviews*. Issue 8, Art, No: CD012760.
- McCoy, K. P., George, M. R. W., Cummings, E. M., & Davies, P. T. (2013). Constructive and destructive marital conflict, parenting, and children's school and social adjustment. *Social Development*, 22(1), 641-662.
- Melodie Fearnow-Kenney, Patricia Hill, and Nicole Gore (2016). *Child and Parent Voices on a Community-Based Prevention Program (FAST)*. *School Community Journal*, 26 (1). 223-238.
- Moos, R. H., & Moos, B. S. (1994). *Family Environment Scale manual (3rd ed.)*. Palo Alto, CA: Consulting Psychologists Press.
- Nazir S, Sidra S, Malik MS, Falak S, Zarqa A, Muhammad Rizwan S (2012). Parental Conflict And Its Effects On Youth Self Esteem (A Study At University Of Punjab). *International Journal of Asian Social Science*. 9: 1392-1400.
- Olson, D. H. (2000). Circumplex Model of marital and family systems. *Journal of Family Therapy*, 22, 144-167.
- Rivera F I, Guarnaccia P J, Mulvaney-Day N, Lin J Y, Torres M, Alegria M (2008). Family cohesion and its relationship to psychological distress among latino groups. *Hispanic Journal Behavior science*. 30(3): 357-78.
- Salgado de Snyder N (1987). Factors associated with acculturative stress and depressive symptomatology among married Mexican immigrant women. *Psychology of Women Quarterly*. 11. 475–488.

- Sharma, A. (2012) Aggressive Behavior in University Students. The Role of Family Environment. *Advances in Asian Social Science*, 3(1): 622-628.
- Siffert, A., & Schwarz, B. (2011). Parent conflict resolution styles and children's adjustment: Children's appraisals and emotion regulation as mediators. *The Journal of Genetic Psychology*, 172(1), 21-39.
- Sprecher, S., & Metts, S. (2013). Romantic beliefs: Their influence on relationships and patterns of change over time. *Journal of Social and Personal Relationships*, 16, 834-851.
- Steptoe A, O'Donnell K, Marmot M, Wardle J. (2008). Positive affect, psychological well-being, and good sleep. *J Psychosom Res*. 2008 Apr;64(4):409-15. doi: 10.1016/j.jpsychores.
- Stutzman, S. V., Miller, R. B., Hollist, C. S., & Falceto, O. G. (2009). Effects of marital quality on children in Brazilian families. *Journal of Comparative Family Studies*, 40(3), 475-492.
- Substance Abuse & Mental Health Services Administration; Department of Health and Human Services. (2008). *Families and schools together*. Retrieved from National Registry of Evidence-Based Program sand Practices <http://nrepp.samhsa.gov/programfulldetails.asp?>
- Terrion, J. L. (2006). Building social capital in vulnerable families: Success markers of a school- based intervention program. *Youth Society*, 38 (2), 155-176.
- Wagner, A., & Grzybowski, L. S. (2014). Como os filhos percebem o relacionamento conjugal de seus pais? In D. M. Arpini, & S. D. Cúnico (Orgs.). *Novos olhares sobre a família: Aspectos psicológicos, sociais e jurídicos* (pp. 39-53).
- Vandleur C L, Jeanpretre N, Perrez M, Schobi D (2009). Cohesion, satisfaction with family bonds, and emotional well- being in families with adolescents. *Journal of Marriage Family*. 71(5): 1205- 9.